

دو سند بازیافته از ابرکوه در میان فرمان‌های ناصرالدین شاه قاجار

مرضیه ابراهیمی پور

چکیده

در این مقاله به معرفی دو سند موجود در مدیریت اسناد و کتابخانه ملی استان یزد پرداخته می‌شود. اسناد مذکور، دو فرمان از ناصرالدین شاه قاجار، یکی در مورد واگذاری مزارع نوش‌آباد و بیدستان، از توابع ابرکوه، به شیخ محمدصادق ابرقویی، معروف به «امام» از عالمان دینی ابرکوه است و دیگری بر مالکیت وی بر مزارع مذکور تأکید می‌کند و در مورد صدور فرمان مجدد و سلب مالکیت از وی به کارگزاران دیوانی هشدار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها

فرمان‌ها؛ ناصرالدین شاه قاجار؛ شاه ایران؛ ۱۳۴۷-۱۳۱۳ق.؛
ظل‌السلطان؛ مسعود میرز ابن ناصر؛ ۱۳۶۶-۱۳۳۶ق.؛ ملک؛ اراضی
عمومی؛ ابرکوه.

فصلنامه آرشیو ملی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۵، صص ۱۰۸-۱۱۵

دو سند بازیافته از ابرکوه در میان فرمان‌های ناصرالدین شاه قاجار

مرضیه ابراهیمی پور^۱

مقدمه

در میان اسنادی که از دوران گذشته به یادگار مانده‌اند، برخی از ارزش والاتری نسبت به بقیه برخوردارند. این اسناد، عمدتاً اسنادی هستند که شخص اول مملکت صادر کرده و نشان‌دهنده اهمیت موضوع است. فرمان‌های حکومتی نه تنها از این نظر که حاوی نکته‌های مهمی درباره مسائل تاریخی هستند، بلکه گاه از لحاظ هنری و ادبی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جغرافیایی نیز مهم به‌شمار می‌روند. بنابراین، بررسی این اسناد در حوزه پژوهش‌های تاریخی بسیار مهم است. مدیریت اسناد و کتابخانه ملی استان یزد، به‌عنوان یکی از مراکز اسنادی کشور، دارای تعدادی فرمان مربوط به زمان قاجار و با محوریت استان یزد است. بازخوانی و بررسی این اسناد از منظر علم سندشناسی، می‌تواند روشنگر بخشی از تاریخ این استان باشد. محتوای اسناد مورد مطالعه در این مقاله، واگذاری مزارع نوش‌آباد و بیدستان^۲، از توابع ابرکوه^۳، به شیخ محمدصادق ابرقویی است. تاریخ این اسناد مربوط به اواخر حکومت ناصرالدین شاه قاجار است. ناصرالدین شاه قاجار در شعبان سال ۱۳۱۱ ق. در فرمانی مالکیت مزارع نوش‌آباد و بیدستان را به شیخ محمدصادق ابرقویی واگذار می‌کند و دو سال بعد فردی به نام میرزا محمدحسین ابرقویی^۴ به بهانه آنکه در سال‌های قبل این مزرعه‌ها مدتی محمل

۱. کارشناس مدیریت اسناد و کتابخانه

ملی استان یزد

m.ebrahimipoor@gmail.com

۲. مزرعه‌های نوش‌آباد و بیدستان از توابع

دهستان فراغه شهرستان ابرکوه. این دو

مزرعه دارای قنات بوده‌اند که در حال

حاضر به دلیل خشک‌شدن قنات، چاه آب

احداث شده است (گفتگوی تلفنی، ۲۱ دی

۱۳۹۴). برخی معتقدند که قنات نوش‌آباد

توسط خوش‌گهر احداث گردیده و لذا ابتدا

نام آبادی، خوش‌آباد بوده و تاکنون سه‌بار

تخریب و جابه‌جایی داشته و به‌دلایلی به

فراغه تغییر یافته است (سازمان جغرافیایی

نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی

آبادی‌های استان یزد: شهرستان‌های یزد،

ابرکوه، اردکان، بافق، ۱۳۸۱، ص ۱۵۵).

۳. ابرکوه (مغرب آن، ابرقوه) شهری است

در استان یزد، واقع در فلات مرکزی ایران

در جوار کویری به نام کفه ابرکوه. ابرکوه از

شمال به باتلاق گاوخونی، از شرق به شهر

بابک از توابع کرمان، از جنوب به یوانات

فارس و از غرب به شهرهای اصفهان

محدود است. این شهر در زمان ساسانیان

جزو کوره اصطخر از ایالت بزرگ فارس

به‌شمار می‌رفت. در اوایل قرن یازدهم

ه.ق. متعلق به عراق عجم بوده و در

عهد قاجار به‌خاطر دور بودن از حکومت

فارس جزو ایالت اصفهان شمرده شد. از

سال ۱۳۵۵ جزو شهرستان آباده از توابع

استان فارس شده و در سال ۱۳۶۶ بخشی

از شهرستان تفت از توابع استان یزد بوده و

سرانجام در سال ۱۳۷۳ از بخش به شهرستان

تبدیل شده است (شمس اسفندیاری،

۱۳۸۱، صص ۳۵-۳۶؛ تاریخ و جغرافیای

ابرکوه، وبگاه فرمانداری ابرکوه،

<http://abarkooh.gov.ir/>).

۴. نگارنده با وجود جستجو در منابع

تاریخ اصفهان و یزد، به اطلاعاتی در مورد

این فرد برخورد نکرد.



مزروعی او بوده از ظل السلطان^۱ درخواست می‌کند که با صدور فرمانی، مزارع را بین او و محمدصادق ابرقویی تقسیم کند. ناصرالدین شاه نیز در صفر سال ۱۳۱۳ ق. برای جلوگیری از تصرف املاک واگذارشده از سوی وی، در فرمانی خطاب به فرزندش ظل السلطان بر مالکیت شیخ محمدصادق ابرقویی بر مزارع مذکور تأکید می‌کند و دستور بر عدم صدور فرمان مجدد می‌دهد.

شیخ محمدصادق ابرقویی

شیخ محمدصادق ابرقویی معروف به «امام» فرزند آخوند آقا علی از عالمان دینی یزد در سده ۱۳ ق. و اوایل سده ۱۴ ق. است. اصل وی از ابرقو بود و در عهد ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار می‌زیست. او تحصیلات خود را در اصفهان نزد بزرگانی چون ملا محمد فشارکی به پایان برد و به درجهٔ اجتهاد نائل آمد. آنگاه به ابرکوه عزیمت کرد و در آنجا به اقامهٔ جماعت در مسجد جامع و حل و فصل امور شرعی مردم پرداخت. حاشیه بر عروۃ الوثقی تألیف آیت الله العظمی سید محمدکاظم طباطبایی یزدی از آثار اوست (مدرسی و کاظمینی، ۱۳۸۲، صص ۳۱-۳۲).

جد وی، ملا علی کرم، خواهرزاده کریم‌خان زند و جد اعلای طایفهٔ امامی‌ها بوده و در علم و کمال و زهد معروف بوده است. وی چندین سال بعد از فتنه افاغنه در حین سفر به مشهد مقدس از ابرکوه عبور می‌کند، در آن هنگام ابرکوه از عالمی که مسائل شرعی را به مردم یاد دهد محروم بوده و مردم ناچار بودند برای جواب برخی از مسائل، مشکلات و معضلات خویش که مورد احتیاج آن‌ها بوده، به شهرهای دیگر مراجعه کنند. ملاعلی از جهل مردم در این مورد باخبر می‌شود و احساس وظیفهٔ شرعی می‌کند و به قصد انجام تکلیف شرعی در ابرکوه ماندگار می‌شود و صاحب عیال و اولاد می‌شود. وی در بقعه‌ای در محله‌ای در جنوب ابرکوه به نام گل‌کاران یا پل کارون (در افواه محلی) مدفون است (مدرس‌زاده ابرقوئی، ۱۳۷۷، ص ۲۵۳). پدرش نیز آقا علی بن ملاعلی کرم بوده که تحصیلات خود را در نجف، دنبال کرده و امامت مسجد جامع را در روزگار خود بر عهده داشت. وی هم‌عصر محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار بود. مؤلف فارسنامه ناصری، در ذیل معرفی رجال و علماء ابرکوه، ایشان را به القابی مانند علام و فهام توصیف کرده است (شمس اسفندیاری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰).

شیخ محمدصادق امام، عالمی ورزشکار و قدرتمند بود و زورخانهٔ شخصی او با گود و تشکیلات آن هنوز در ابرکوه پابرجاست. ظل السلطان، در سال ۱۳۲۱ ق.، به تصویب رکن‌الملک، یک لباده ترمه کشمیری به رسم خلعت به وی اهدا کرد (کارگر، ۱۳۷۳، صص ۴۴۵۲-۴۴۵۴). شیخ محمدصادق ابرقویی سرانجام در حدود سال ۱۳۱۶ ق. در ابرکوه وفات یافت (مدرسی

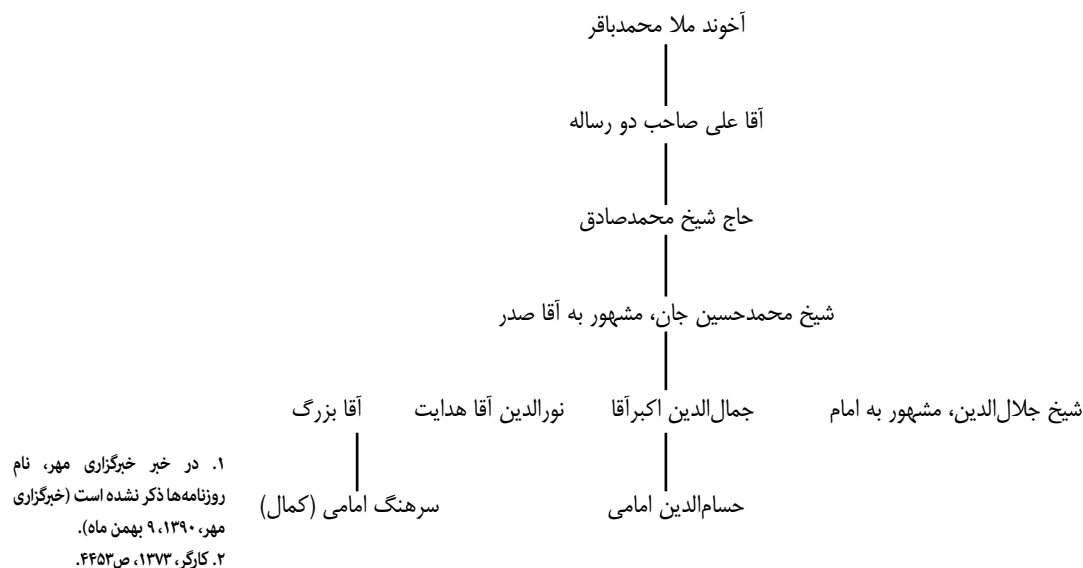
۱. مسعود میرزا یا سلطان مسعود میرزا ظل‌السلطان (۱۲۶۶-۱۳۳۶ ق.)، فرزند ناصرالدین شاه قاجار. وی در سال ۱۲۷۹ ق. به حکومت فارس تعیین و روانه گردید و سپس در سال ۱۲۸۳ ق. به حکومت اصفهان منصوب شد و پس از اینکه در سال ۱۲۸۴ ق. به تهران خواسته شد دوباره در همین سال به اصفهان بازگشت. حکومتش در اصفهان تا آخر سال ۱۲۸۵ ق. ادامه داشت و در اول سال ۱۲۸۶ ق. به استانداری فارس منصوب شد. حکومت فارس ظل‌السلطان تا سال ۱۲۸۸ ق. دو سال و چهار ماه طول کشید. در محرم ۱۲۸۹ ق. حکومت فارس برای بار سوم به ظل‌السلطان واگذار شد. ظل‌السلطان تا اوایل سال ۱۲۹۱ ق. حاکم فارس بود و بعد معزول شد. در همین سال دوباره به حکومت اصفهان منصوب شد و از این تاریخ تا اوایل مشروطیت در مدت ۳۴ سال حاکم مطلق اصفهان بود و در مدت ده سال هم (از ۱۲۹۵ تا ۱۳۰۵ ق.) که حاکم چهارده ایالت و ولایت یعنی جنوب‌غربی و مغرب ایران بود، همیشه در اصفهان اقامت داشت (بامداد، ۱۳۵۷، صص ۷۸-۱۰۰).



و کاظمینی، ۱۳۸۲، ص ۳۲). عبدالحسین دستغیب در کتاب خود از قول پیر روشن ضمیر، محمدعلی سلامی، از اهالی ابرکوه، نقل می‌کند که در سال ۱۳۸۸ ق. در ابرکوه از طرف شهرداری مشغول حفاری برای فلکه خیابان شدند که به سردابی رسیدند که جسد شیخ محمدصادق ابرقویی که هفتاد و دو سال قبل فوت کرده بود، در آن دفن بوده و مشاهده کردند جسد کاملاً سالم است و از آنجایی که وی وصیت کرده بوده که جنازه‌اش را به نجف اشرف منتقل کنند، پیکرش را در تابوت قرار داده و به قم منتقل کردند تا از آنجا به نجف اشرف حمل شود (دستغیب، ۱۳۶۱، صص ۲۱۱-۲۱۲). این مطلب در مطبوعات آن زمان هم انعکاس یافت. یکی از روزنامه‌های کشور در بهمن ماه سال ۱۳۴۸ ش. با تعجب خبری را با عنوان «جسدی پس از ۶۵ سال سالم و تازه از زیر خاک خارج شد» با تیتیر درشت منتشر کرد. روزنامه‌ها در آن زمان مدت زمان دفن جنازه در خاک را ۶۵ سال اعلام کردند، در حالی که در مستندات، کتاب عبدالحسین دستغیب و نقل قول‌های خانواده حاج محمدصادق امام، این زمان ۷۲ سال اعلام شده است. برخی دیگر از روزنامه‌ها نیز قسمت بزرگی از صفحات خود را به این خبر اختصاص داده بودند^۱.

شجره‌نامه خانوادگی شیخ محمدصادق ابرقویی^۲

ملا علی کرم، خواهرزاده کریم خان زند



فرمان اول^۱:

مشخصات سند:

ابعاد: ۵۳×۳۹/۵ سانتی‌متر؛ تاریخ: شعبان ۱۳۱۱ ق.؛ شکل مهر: چهارگوش کلاهدار؛ [سجع مهر^۲]: الملك لله تعالى + تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت/ صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت ۱۲۶۴؛ [طغرا^۳]: الملك لله تعالى شأنه، حکم همایون شد.؛ [توشیح^۴، در گوشه چپ به محاذات طغرا و در زیر سطر اول]: صحیح است؛ تحمیدیه^۵؛ بسمه الله تعالى العزیز؛ تعداد سطر: ۵؛ نوع خط: شکسته؛ وضعیت فیزیکی: سالم

[متن سند]: چون مکنون^۶ خاطر مرحمت تأثر اعلی حضرت همایونی، آبادی مملکت و ترویج امر زراعت و فلاح است، هر کس از قراء خالصه^۷ ممالک محروسه^۸ را به اربابی و ملکیت مستدعی^۹ گردد، مرحمت می شود از جمله مزرعه نوش آباد و بیدستان خالصه واقع در ابرقوه را که از توابع اصفهان است، به موجب این فرمان همایون، به انضمام توابع و لواحق آن از مراتع و باغات و قنات و حق الشرب^{۱۰} و غیره از هذه السنه مسعوده ئیلان^{۱۱} و مابعدا به اربابی و ملکیت ابدی جناب شریعت مآب حاجی محمدصادق ابرقوئی مرحمت و واگذار فرمودیم، که مالیات دیوانی مزرعه مزبور را از قرار^{۱۲} تشخیص دفترخانه مبارکه همه ساله بردارد و ملک طلق^{۱۳} اربابی خود دانسته، هر نحو تصرفات مالکانه غیر از انتقال به تبعه خارجه بخواهد بنماید، مختار و مجاز باشد. مقرر آنکه فرزند ارجمند اسعد کامکار والاتبار، ظل السلطان، حفظه الله تعالى، قدغن نماید به تصرفش بدهند. المقرر مستوفیان شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده، در عهده شناسن^{۱۴} د. فی شهر شعبان سنه ۱۳۱۱.

حاشیه: مبلغ دویست و پنجاه و دو تومان جمع دیوانی قریه نوش آباد و بیدستان خالصه ابرقوه اصفهان است، تا واضح باشد.

ظاهر فرمان:

ظاهر فرمان دارای ۹ سجع مهر بیضی و ۳۳ سجع مهر مربع، به خط نستعلیق، می باشد که عبارتند از:

صدر اعظم ۱۳۱۰؛ ظنی حسن بالله ۱۲۹۹؛ وزیر دفتر ۱۳۱۰؛ معاون الملك؛ معتمد السلطنه ۱۳۰۴؛ الواثق بالله الغنی عبده محمد ۱۲۷۲؛ محمدحسین ۱۳۱۱؛ الراجی نورالله بن محمد؛ سلیمان ۱۲۸۷؛ ابوالحسن سنه ۱۳۱۰؛ اشرف الحسینی؛ اعتماد حضور؛ افوض امری الی الله حسن؛ افوض امری الی الله اشرف؛ الراجی الا الله محمدجعفر ۱۳۱۱؛ الراجی الی الله علیرضا بن محمود ۱۳۰۱؛ الراجی جعفر بن نصرالله؛ الراجی محمد بن محمدهادی ۱۲۸۳؛ الراجی احمد؛ الراجی الی الله آقا خان؛ الراجی الی الله خلیل ۱۳۰۹؛ حسین بن محمد ۱۲۹۲؛ رب صل علی

۱. فرمان بازخوانی شده، با شماره مدرک ۲۷۸۱۱۴۳، در مدیریت اسناد و کتابخانه ملی استان یزد نگهداری می شود.
۲. سجع مهر موجود در این فرمان مخصوص احکام و فرمان های مهم بوده است (ر. ک. قائم مقامی، ۱۳۴۸، ص ۷۲).
۳. از ناصرالدین شاه دو نوع طغرا می شناسیم که نقش آن «الملک لله تعالى شأنه، حکم همایون شد» بوده است و آن را با آب طلا بر روی فرمان های او می کشیدند (قائم مقامی، ۱۳۴۸، ص ۷۶).
۴. توشیح به معنی امضا از زمان پادشاهان قاجار مرسوم شد.
۵. تحمیدیه عبارت است از حمد و ثنای خداوند در آغاز نامه ها که به صورت هو، بسم الله الرحمن الرحیم، هو الله تعالى شأنه و امثال آن در بالای فرمان ها و نامه ها قرار می گرفت (فدایی عراقی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱).
۶. مکنون: پنهان.
۷. خالصه: زمین های متعلق به دولت.
۸. ممالک محروسه: عنوانی که در عصر قاجار به ایران داده بودند.
۹. مستدعی: خواستار.
۱۰. حق الشرب: آب بها.
۱۱. ئیلان ئیل: از سال های ترکی است (سال مار).
۱۲. قرار: حکم موقت.
۱۳. ملک طلق: ملک حلال و خالص.
۱۴. معمولاً در بخش خاتمه فرمان، شاه با دستور و توصیه، مستوفیان و منشیان و حکام و ... را موظف می دارد که حکم و فرمان او را به موقع به اجرا بگذارند و در عهده شناسند.



محمد و آل محمد؛ رضا قلی عین اله حی الحسینی؛ عبدالله الموسوی ۱۳۱۱؛ عبده الراجی حسن ابن ابراهیم؛ عبده الراجی رضا قلی الحسینی ۱۳۰۹؛ علی بن یوسف؛ غلام علی حسین ابن علی ۱۳۰۸؛ لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده حسین؛ لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده فتحعلی ۱۲۷۶؛ لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده محمدزکی؛ اسد الله ابن محمد؛ محمد حسین الشریف؛ محمد بن رضا شفیع محمد ۱۲۹۲؛ محمد علی بن محمود ۱۲۹۶؛ محمدتقی بن ابوالقاسم ۱۳۰۵؛ محمود بن محمد ولی ۱۳۰۳؛ مجیر الملك ۱۳۰۲؛ مستجاب الدعوه علی بن فتح الله الحسینی ۱۳۰۲[سال مهر ناخوانا]؛ مشیر دفتر ۱۳۱۱؛ هو ربیع علی بن محمد

فرمان دوم^۱:

مشخصات سند:

ابعاد: ۴۲×۳۰ سانتی متر؛ تاریخ: شعبان ۱۳۱۳ ق.؛ شکل مهر: چهارگوش کلاهکدار با علامت شیر و خورشید؛ [سجع مهر^۲]: السلطان بن السلطان ناصرالدین شاه قاجار؛ [توشیح]: در گوشه چپ و زیر سطر اول؛ تعداد سطر: ۸؛ نوع خط: شکسته؛ وضعیت فیزیکی: سالم

[متن سند:]

فرزنده گوهر دُرَج خلافت و تاجداری درخشنده، اختر رخ سلطنت و شهریاری، فرزند اسعد ارجمند بی همال^۳ کامکار، ظل السلطان، حکمران اصفهان و یزد و عراق و مضافات^۴، به عواطف خاطر خطیر شاهنشاهی مفتخر و مباهی بوده، بداند مزرعتین نوش آباد و بیدستان از جمله املاک خالصه ابرقواء اصفهان بوده، که در سنه ماضیه به موجب فرمان جهان مطاع به ملکیت اربابی جناب شرایع مآب، عمده العلماء و المجتهدین، حاجی شیخ محمدصادق مجتهد ابرقوئی مرحمت و واگذار فرمودیم. از قراری که به عرض رسید این اوقات، جناب حاجی میرزا محمد حسین ابرقوئی به دست آویز آنکه در سنوات قبل این مزرعه یک مدتی محمل مزروعی او بوده، اجازه ناسخ ثانوی از آن فرزند کامکار گرفته که در ثانی فرمان ناسخ^۵ صادر کند، و بالمناصفه^۶ در دو مزرعه مزبوره جناب معزیالیه^۷ شرکت نماید. این مطلب چون اسباب ضرر و مرارت است، باعث وحشت و اضطراب جناب معزیالیه شده، بلکه سایر اشخاص که فرامین ملکی اربابی در حق آنها شرف صدور یافته متوحش شده اند. چنانچه بعضی دیگر هم از این قبیل چندی قبل عرض تظلم کردند و مؤکداً به امناء دفترخانه مبارکه قدغن فرمودیم فرمان مکرر صادر نکنند. و هرگاه کسی به اشتباه فرمانی صادر کرده باشد، ضبط و توقیف نموده، از درجه اعتبار ساقط دانند. حال محض تأکید و اطلاع به صدور این ملفوفه^۸ فرمان مبارک به آن فرزند اسعد کامکار

۱. فرمان بازخوانی شده، با شماره مدرک ۳۷۸۱۱۶۳، در مدیریت اسناد و کتابخانه ملی استان یزد نگهداری می شود.

۲. سجع مهر موجود در این فرمان مطابق با هیچ کدام از سجع مهرهای معرفی شده در مقاله های جهانگیر قائم مقامی و رضا فراستی نیست (ر. ک. قائم مقامی، ۱۳۴۸، صص ۶۷-۷۶؛ ۱۳۵۱، صص ۱۰-۱۴؛ فراستی، «مهرهای شاهان قاجار»، صص ۱۷۳-۱۸۳).

۳. بی همتا.

۴. توابع.

۵. فرمان ناسخ: فرمانی که باطل کننده حکم قبلی باشد.

۶. بالمناصفه: نصف به نصف.

۷. معزیالیه: نامبرده.

۸. ملفوفه: پیچیده شده.



والاتباع امر و مقرر میفرمائیم که مراقب باشد کارگزاران امور دیوانی اصفهان از این قبیل اجازه که اسباب صدور فرامین ناسخ و منسوخ است، به دست کسی ندهند و ارباب طمع را امیدوار نکنند. محال است دیوان همایون اعلی بعد از صدور فرمان ملکی، فرمان مکرر ناسخ دانسته، به کسی بدهد. چنانچه در باب دو مزرعه مزبوره فرمان مکرر به احدی داده نخواهد شد و به موجب همان فرمان مهر لمعان^۱ اول که به جناب حاجی شیخ محمدصادق مرحمت شده، ملک طلق اوست. قدغن کنید مدعی از این خیال محال بگذرد و به طمع بر خود ضرری وارد نیابد و مزاحم مشارالیه نباشد که آسوده و مرفه الحال به امر زراعت و آبادی مزرعتین مزبورتن و دعاگویی مستعجل بوده باشد. ناسخ شهر صفرالمظفر ۱۳۱۳.

[حاشیه]: یک طغرا فرمان مهر لمعان همایون، مطابق رقم امضای حضرت اشرف ارفع والا، ظل السلطان، به جهت نوش آباد و بیدستان خالصه ابرقوه به ملکیت جناب شرایع مآب، حاجی شیخ محمدصادق ابرقوئی، در سنه ماضیه یونت ثیل^۲ اشرف صدور یافته.

ظهر فرمان

ظهر فرمان دارای ۵ سجع مهر بیضی به خط نستعلیق می باشد که عبارتند از:
ظنی حسن بالله ۱۲۹۶؛ وزیر دفتر ۱۳۱۰؛ صدراعظم ۱۳۱۰؛ الواثق بالله الغنی عبده محمد ۱۲۷۲؛ سلیمان ۱۲۸۷

منابع

بامداد، مهدی. (۱۳۵۷). شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری. ج ۴. تهران: زوار.
وبگاه فرمانداری ابرکوه. تاریخ و جغرافیای ابرکوه. بازیابی ۱ دی ماه ۱۳۹۴ از <http://abarkoooh.gov.ir>
جابری انصاری، محمدحسن. (۱۳۷۸). تاریخ اصفهان. تصحیح و تعلیق: جمشید سروشیار. اصفهان: مشعل.
خبرگزاری مهر. (۱۳۹۰، ۹ بهمن). «اتفاقی که ایران را تکان داد/ بزرگانی که فراموش شده اند». بازیابی ۱۵ دی ماه ۱۳۹۴ از <http://www.mehrnews.com>
دستغیب، عبدالحسین. (۱۳۶۱). داستان های شگفت. تنظیم و تصحیح و مقدمه: محمدهاشم دستغیب. شیراز: کانون تربیت.
دهخدا، علی اکبر. (۱۳۲۵). لغت نامه. زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران؛ سازمان لغت نامه دهخدا.

۱. لمعان: تابنده.

۲. یونت ثیل: از سال های ترکی (سال اسب).



سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. (۱۳۸۱). فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران: استان یزد. ج ۱. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

شمس، جواد. (۱۳۹۴، ۲۱ دی ماه). مزرعه‌های نوش‌آباد و بیدستان. گفتگوی تلفنی.

شمس اسفندیاری، حمیدرضا. (۱۳۸۱). با من به ابرکوه بیائید. تهران: پاسارگاد.

عمید، حسن. (۱۳۵۹). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.

فدایی عراقی. (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

فراسی، رضا. (۱۳۸۰). مهرهای شاهان قاجار. تاریخ معاصر، ۱۷، صص ۱۷۳-۱۸۳.

قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۴۸). تحقیقات تاریخی: بررسی مهرها و طغراهای پادشاهان ایران از ایلخانان تا پایان قاجاریه. بررسی‌های تاریخی، ۲۲، صص ۶۷-۷۶.

قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۱). مهرهای نویافته پادشاهان قاجار، بررسی‌های تاریخی، ۳۹، صص ۱۰-۱۴.

کارگر، حسن. (۱۳۷۳). ملا علی کرم خواهرزاده کریم خان زند. نامواره دکتر محمود افشار. گردآورنده: ایرج افشار، با همکاری: کریم اصفهانیان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ج ۸، صص ۴۴۵۲-۴۴۵۴.

مدرس‌زاده ابرقوئی، علی. (۱۳۷۷). شناخت ابرقوه و قدمت آن. اصفهان: جهاد دانشگاهی.

مدرسی، محمدکاظم؛ کاظمینی، محمد. (۱۳۸۲). مفاخر یزد. یزد: بنیاد ریحانه الرسول.

معین، محمد. (۱۳۸۷-۱۳۴۲). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.

